

فصلنامه علمی تخصصی فقه و حقوق معاصر

سال هفتم، شماره شانزدهم، تابستان ۱۴۰۰، ص ۵-۲۶

بررسی فقهی و حقوقی اقرار در فضای مجازی و حقیقی^۱

سید مصطفی حسینی^۲

محبوبه قلعه نوی^۳

چکیده

پیشرفت حوزه فناوری و اطلاعات همراه با افزایش روابط اجتماعی انسان ها و اصل توجه به فلسفه سرعت در عصر حاضر، استفاده از ابزارهای رایانه‌ای را اجتناب ناپذیر کرده است. علاوه بر این فضای مجازی ویژگی‌ها، التزامها، محدودیت‌ها و فرصت‌های ویژه خود را دارد، در برخی لحاظ، مشابه دنیای واقعی است. امروزه تجارت الکترونیک حجم گسترده از مبادلات جهانی را به خود اختصاص داده است، علاوه بر مزایای فراوان، چالش‌هایی را بروی جوامع بشری قرار داده است؛ مباحثی نظیر اقرار در فضای مجازی، فرایند کشف، تجزیه و تحلیل ادله و مانند این‌ها می‌تواند به علت پیچیدگی و بروز بودن، ابهام آور باشد. در این میان، بحث کشف اقرار در فضای مجازی اهمیت ویژه ای دارد؛ چراکه اقرار در فضای مجازی در تمام موارد قابلیت دسترسی آسان را در دست کاربر ندارد و لزوم کشف آن از مسائلی است که نادیده انگاشتن آن می‌تواند به منزله چشم پوشی از بسیاری از واقعیت‌ها تلقی شود. علاوه بر این باید توجه داشت که این موضوع مباحثی میانرشته‌ای است؛ چراکه آگاهی و تسلط بر رایانه و آشنایی با روش‌های نوین کشف ادله به روش ابزارهای الکترونیکی، از ضرورت‌های ماهیت و کشف اقرار در فضای مجازی است. این پایان نامه میکوشد که تلفیقی از روش‌ها و ابزارهای حقوقی را در کنار مباحث فنی کشف ادله طرح می‌کند. تعریف و تبیین ماهیت اقرار در فضای مجازی، اهمیت، انواع و ویژگی‌های اقرار در فضای مجازی، تطبیق ادله عادی و الکترونیکی، تعارض اقرار در فضای مجازی با دیگر ادله، مراحل کلی کشف اقرار در فضای مجازی، نگهداری و مراقبت از اقرار در فضای مجازی، تعارض دلایل الکترونیکی با دلایل سنتی اثبات دعوا، نقش اقرار در فضای مجازی در نظام اثبات دعوی، تعریف اسناد الکترونیک و جرایم سایبری در حوضه اقرار در فضای مجازی و در خاتمه رویه قضایی موجود در محاکم (به صورت موردی شهر مقدس مشهد) از مباحث مطرح شده در این مقاله است. نتایج حاصل از مطالعه مبحث اسناد الکترونیکی و مبانی حقوقی آن، گویای این واقعیت است که در دنیای مجازی و الکترونیکی نمی‌توان صرفاً از ادله سنتی برای حل مسائل دنیای کنونی استفاده کرد. ویژگی‌هایی مانند یکسان نبودن نسخه الکترونیکی با رونوشت چاپ شده، قابلیت ذخیره‌سازی به صورت فشرده، صور متفاوت ذخیره، قابلیت تکثیر سریع و ساختار متفاوت آنها از اسناد عادی از جمله موارد قابل ملاحظه در اقرار در فضای مجازی محسوب می‌شود. اقرار در فضای مجازی علاوه بر این که از نظر صوری متفاوت از اسناد عادی‌اند، ولی از نظر ماهوی دارای ارزش برابر و قابل استناد همانند اسناد عادی ادله اثبات دعوا نظیر شهادت، قسم، اقرار و غیره‌اند. از جمله چالش‌ها و ایرادات بحث اقرار در فضای مجازی می‌توان به کثرت حجم اطلاعات، مستور بودن بسیاری از اطلاعات و اختلافات ناشی از تفاوت زبان‌ها و عدم آگاهی برخی از افراد جامعه در مقابل اشراف کامل افراد سودجو به گستره اطلاعات و ارتباطات ... اشاره کرد.

واژگان کلیدی: فقه، حقوق، فضای مجازی، فضای حقوقی، ادله اثبات

^۱ - تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۰

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور مرکز خرم آباد.

^۳ - دانشجوی کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب

مقدمه

در دوره های گذشته، از یک سو به دلیل عدم توسعه ی علوم و از سوی دیگر اعتقاد همگان به جایگاه راسخ معنویات و امور باطنی، عمده ی دلایل ابرازی جهت اثبات جرایم، در اقرار، شهادت و نهایتاً علم قاضی خلاصه می شد که به دلیل نبود ابزارها و امکانات لازم، حتی گزینه ی آخر نیز معمولاً به دریافت های باطنی قاضی محدود می گشت.

با پدیدار شدن فناوری های نوین، چالش های جدیدی در دنیای حقوق پدید آمده است و پیدایش ادله ی الکترونیکی با ماهیت خاص به جای ادله ی سنتی، مقامات قضایی را با مشکلات عدیده ای در زمینه های مختلف اعم از کشف جرم، جمع آوری ادله و غیره مواجه کرده است. ادله ی الکترونیکی به دلیل دارا بودن ویژگی های منحصر به فرد خود نیازمند تدابیر و قواعد جدیدی می باشد.

نخستین واکنش قانون گذار ایران برای مقابله با جرایم رایانه ای تبصره ی ۳ ماده ی یک قانون مطبوعات در تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۳ بود که مقرر داشت: "کلیه نشریات الکترونیکی مشمول مواد این قانون است". پس از آن قوانین دیگری از قبیل: "قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴"، "قانون جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷" که در ماده ی ۱۳۱ خود اقسام جرایم رایانه ای نظامیان از قبیل جعل، جاسوسی، سواستفاده ی مالی و غیره را برشمرده است و "قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷" مصادیقی از این نوع جرایم را احصا کرده اند. یکی دیگر از واکنش های قانون گذار تصویب قانون جرایم رایانه ای در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۵ بود که این قانون به جرم انگاری رفتارهای قابل ارتکاب در فضای سایبر و آیین دادرسی خاص این جرایم پرداخته است و نهایتاً آخرین واکنش قانون گذار در این زمینه قانونی است تحت عنوان "قانون جمع آوری و استنادپذیری ادله الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۵/۱۲" که پیرامون آیین دادرسی و نحوه ی جمع آوری ادله ی الکترونیکی و ارائه ی آن ها به دادگاه سخن به میان آورده است. این قانون سعی بر آن دارد تا بتواند مراحل را که ادله ی الکترونیکی باید بپیمایند تا به عنوان ادله ی قابل قبول در محضر دادگاه مطرح شوند را به نمایش بگذارد.

به طور کلی باید اذعان داشت که فناوری اطلاعات و ارتباطات و پیدایش ادله ی الکترونیکی توانسته در حقوق جزای ماهوی و حقوق جزای شکلی تحولات بسیار ژرف و عمیقی ایجاد نماید. در هزاره ی نوین، تقریباً هیچ امری باقی نمانده است که به طور مستقیم و باواسطه، به فناوری های نوین اطلاعاتی و ارتباطی وابسته نباشد. این وضعیت نوپدید، حوزه های گوناگون، از جمله نظام حقوقی را تحت تأثیر خود قرار داده است. در این میان، شاید هیچ شاخه ای به اندازه ی نظام ادله ی اثبات دعاوی، تأثیر نپذیرفته باشد؛ زیرا داده های رایانه ای هیچ سنخیتی با اسناد و اطلاعات دنیای فیزیکی ندارند. این دغدغه در نظام ادله ی اثبات کیفری جدی تر است به ویژه آن که ضابطه مند شدن عملکرد مجریان قانون در مواجهه با پرونده های کیفری سایبری یا مرتبط با فضای سایبری، ضروری است. (جلالی فراهانی،

با گسترش اینترنت و ایجاد شبکه های ارتباطی در سطح جهان، جرایمی در فضای سایبر واقع می شود که از لحاظ ساختاری، متفاوت از جرایم سنتی و در عین حال مخرب و زیان بارتر از آن ها جلوه می کنند. با توجه به این که در فضای مجازی اصل بر ناشناختگی است، کشف و تعقیب جرایم ارتكابی واقع در آن و هم چنین جمع آوری دلیل و اثبات آن جرایم از اهمیت ویژه ای برخوردار است. (مؤذن زادگان و شایگان، ۱۳۸۸)

در تعریف ادله ی الکترونیکی این گونه می توان اذعان داشت: هرگونه داده و نرم افزار یا سخت افزار الکترونیکی که بتواند اطلاعات ارزشمندی در راستای اثبات ادعا، دفاع، کشف جرم یا استدلال قضایی به دست دهد. البته عده ای این طرز تفکر را دارند که ادله ی الکترونیکی تنها به رایانه ختم می گردد؛ در صورتی که این چنین نبوده و اطلاعات قابل کسب از دستگاه هایی نظیر تلفن همراه، دوربین، پیجرتلفن، پیام گیر تلفن و غیره جزو ادله الکترونیکی محسوب می گردد. قابلیت استنادپذیری ادله الکترونیکی موضوعی بحث برانگیز است زیرا گرایش به ادله ی سنتی بسیار بوده و سوق یافتن به سوی ادله ی الکترونیکی به گذر زمان نیازمند است.

پذیرش استنادپذیری ادله ی الکترونیکی در کشور آمریکا به حدود سال ۱۹۲۸ میلادی باز می گردد که نمونه بارز آن مداخله در مکالمات تلفنی است. منشأ پیدایش مداخله در مکالمات تلفنی از طرف مقامات انتظامی در آمریکا تقریباً مربوط به زمانی است که به علت اجرای قوانین تحریم مشروبات الکلی و قاچاق این گونه مشروبات از طرف قاچاقچیان، بازار آن ها گرم و جنایات دیگری که به موازات این امر به وقوع می پیوست روبه فزونی می گذاشت. به همین جهت مبارزه مقامات پلیسی و انتظامی در این عصر به اوج خود رسید و این گونه مقامات با توجه به طبیعت بزه قاچاق که جنبه ی مخفی و پنهانی بودن ارتكاب آن نسبت به سایر جرایم بیش تر بود ناگزیر دست به تدابیر مختلف زدند که از آن جمله مداخلات در مکالمات تلفنی بزهکاران بوده است. (طلیعه، ۱۳۴۹)

ادله ی الکترونیکی برای قرارگیری بر روی میز محاکمه و مستند صدور رأی دادگاه شدن باید مراحل طی کند. جمع آوری ادله ی الکترونیکی شامل حلقه های متعددی هم چون حفاظت، تفتیش و توقیف، شنود و غیره می باشد.

به هنگام جمع آوری ادله ی الکترونیکی باید هر قطعه ای از ادله جمع آوری شده و بر آن ها نظارت کامل شود و نباید بعضی از ادله مورد غفلت واقع شود، بنابراین، نباید پرداختن به هریک از ادله ی موجود در صحنه ی جرم (چه ادله ی سنتی و چه ادله ی الکترونیکی) موجبات غفلت از ادله ی دیگر را فراهم آورد. هم چنین به هنگام جمع آوری باید زمان مقرر مدنظر قرار گرفته شود تا هیچ یک از طرفین نتوانند نسبت به اقامه ی دعوی مبنی بر جبران خسارت و ضرر و زیان اقدام نمایند.

در رابطه با قانون جمع آوری و استنادپذیری ادله ی الکترونیکی مصوب سال ۱۳۹۳ دو عنصر بسیار مهم وجود دارد که باید در بطن این قانون وجود داشته باشد که این دو عنصر به شرح زیر است:

نخستین عنصری که به یک قانون، نشاط و حیات می بخشد پروسه تصویب آن قانون است و دومین عنصر به محتوای استاندارد و صلابت مواد قانونی در بیان مقصود و بنیان های فلسفی متن مورد نظر برمی گردد؛ به عبارتی انشای تخصصی و صحیح متون قانون. (قاجارقیونلو، ۱۳۸۹)

رویه ی بسیاری از افراد استفاده از اسناد کاغذی و قابل بایگانی است و تمایلی برای تغییر این رویه و مبدل کردن ادله ی کاغذی به سیستم ادله ی الکترونیکی را ندارند ولی با توجه به پیشرفت تکنولوژی و دانش بهتر است با بخشیدن ارزش اثباتی و اعتبار به ادله ی الکترونیکی، به شکل کاملاً قانونی تثبیت گردند تا در نتیجه افراد به اندیشه ی تغییر رویه و روی آوردن به ادله ی الکترونیکی واداشته شوند.

در سایر کشورهای جهان نیز از طرق مختلفی برای مواجهه با ادله ی الکترونیکی برخوردار می باشند. این کشورها به دو دسته ی کلی تقسیم می شوند. دسته ی اول کشورهای حقوق رومی - ژرمنی که مطابق با اصل آزادی دلیل عمل می کنند. در این کشورها، قاضی می تواند اساساً تمامی انواع ادله را در نظر گیرد و عموماً در این که ادله ی رایانه ای را به عنوان ادله قبول نمایند، هیچ گونه تردیدی ندارند، کشورهایی مانند اتریش، دانمارک، آلمان، ژاپن و غیره. در مقابل کشورهای کامن لا که در این کشورها باید اصل مدرک به دادگاه ارائه شود و اصل ادله ی الکترونیکی مورد قبول است مانند انگلستان. (نرگسی، ۲۰۲۲، ۱۹۶ - ۲۹۳)

آن چه که در این پژوهش مذاقه ی نظر می باشد این است که با توجه به تصویب قانون جمع آوری و استنادپذیری ادله ی الکترونیکی و جدید بودن قانون، به بررسی جامع موضوع استنادپذیری ادله ی الکترونیکی و بررسی مواد قانونی آن بپردازیم و در نهایت باید دید سرنوشت این نهاد به کدامین جهت در حال پویایی است.

سابقه و پیشینه ی تحقیق

ادله الکترونیکی از منظر نوع تحقیق، بازرسی محل وقوع جرم، توقیف اسباب و آلات جرم، پدیدآورنده، شرایط و غیره تفاوت های زیادی با ادله ی فیزیکی دارد و بدین خاطر نتوانسته هم چون ادله فیزیکی به نحو گسترده جای خود را در دل کتاب ها و رویه ی قضایی به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی باز کند. اما مقالات و پژوهش هایی پیرامون این موضوع به بررسی پرداخته اند.

در مقاله ی “استنادپذیری ادله الکترونیکی در امور کیفری” از امیرحسین جلالی فراهانی (۱۳۸۶) در باب تعریف، احراز هویت پدیدآورنده، جهات قوت و ضعف ادله الکترونیکی سخن به میان آورده و بیش تر مستندات قانونی از قوانین بین المللی هم چون قانون آیین دادرسی کیفری فدرال، موازین حقوق بشر (میثاق حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد (۱۹۶۶)، کنوانسیون شورای اروپا راجع به حمایت از حقوق و آزادی های اساسی بشر (۱۹۵۰)) بوده و نتیجه حاصله بدین شرح است که کشورهایی همانند ایران که به تازگی با انواع سوءاستفاده های مجرمانه از فناوری اطلاعات و ارتباطات مواجه اند باید درصدد اصلاح قوانین جزایی شان برآیند و راهکارهای قانون مند و قابل اجرایی ارائه دهند

مقاله ای نیز تحت عنوان “استنادپذیری و تحصیل ادله الکترونیکی در حقوق کیفری ایران” از حسن علی مؤذن زادگان و محمدرسول شایگان (۱۳۸۸) نگارش گردیده که به بیان کلیاتی در رابطه با ادله الکترونیکی پرداخته است. در مقاله ی نامبرده شده به قوانینی چون قانون تجارت الکترونیکی، قانون جرایم رایانه ای و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ استناد نموده و به این نتیجه دست یافته که قانون گذار ایران ارزش اثباتی ادله الکترونیکی را پذیرفته ولی در زمینه جمع آوری و استنادپذیری ادله الکترونیکی، نظام ادله حقوق کیفری با چالش هایی روبه روست.

در مقاله ی دیگری تحت عنوان “مروری بر بنیان های نظری تدوین قوانین سایبر و مقدمه ای بر ادله اثبات الکترونیکی” از سیامک قاجارقیونلو (۱۳۸۹) در رابطه با نحوه ی قانون نویسی برای جرایم در فضای سایبر سخن به میان آورده و ضمن بیان قوانین از جمله قانون تجارت الکترونیکی، قانون جرایم رایانه ای، قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزار های رایانه ای، قانون آزادی اطلاعات که در بعد کیفری به رشته ی تحریر درآمده اند اذعان می دارد که قانون باید به نحوی تدوین گردد که صلابت و استواری خود را از دست ندهد و استانداردهای علمی و عملی در آن رعایت گردد و در پایان به نتیجه ای که می رسد این است که جامعه نیازمند دادرسی الکترونیکی بوده ولی آیین دادرسی ایران کاغذ، زمان، مکان، محدودیت های جغرافیایی و حضور فیزیکی اشخاص است که جملگی در فضای سایبر مفقود است.

مقاله ی “اعتبار کپی های برابر با اصل در اسناد الکترونیکی” از غلامعلی بازیاری سروستانی (۱۳۸۵) در رابطه با کپی ادله ی الکترونیکی و ایجاد نسخه ی دوم سخن گفته که برای دارا بودن اعتبار و ارزش اثباتی باید شرایطی پشت سر نهاده شود و در آخر نتیجه ی حاصله ی این مقاله این است که اعتبار و هویت سند الکترونیکی با ارجاع به کارشناس فنی متخصص احراز می گردد و اسناد الکترونیکی تا رسیدن به جایگاه واقعی و ارزشمند بودن در مناسبات و روابط حقوقی مسیری طولانی پیش رو دارند.

پژوهش ای در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی تحت عنوان "استنادپذیری ادله الکترونیکی در فضای مجازی" از محمدمهدی نرگسی (۲۹۳۱) به رشته ی تحریر درآمده است که پیرامون ادله ی الکترونیکی سخن به میان آورده و می توان گفت که دارای حالتی تطبیقی می باشد چرا که وجه تمایز این پژوهش با سایر منابع این است که در رابطه با سایر کشورهای جهان که به چه نحو با ادله ی الکترونیکی روبه رو می شوند سخن گفته و نتیجه ی حاصله این است که ادله ی الکترونیکی جایگاه خود را در نظام ادله ی اثبات دعوی یافته است و دارای قابلیت استنادپذیری می باشد ولی باید برای تثبیت این جایگاه مانند سایر کشورهای جهان اقداماتی کارساز صورت پذیرد. با تمامی این بیانات و مطالب فوق الذکر تاکنون نوشتاری در باب بررسی خاص و ویژه ی استنادپذیری ادله الکترونیکی با توجه به مواد قانون جدید به رشته تحریر درنیامده و هیچ یک از مقالات مذکور به این قانون به دلیل جدید بودن استناد و اشاره ای نداشته اند.

ضرورت و نوآوری انجام تحقیق

امروزه روابط و کنش های اجتماعی گسترده و پیچیده تر از قبل گردیده است. در گذشته بیش تر گفتمان ها و ملاقات ها حضوری و در یک مکان حقیقی تحقق می یافت و روابط نیز محدودتر بود ولی با پیشرفت چشم گیر تکنولوژی و اختراع وسایل ارتباط جمعی که روز به روز با امکانات و تجهیزات پیشرفته تری به بازار عرضه می شوند شکل و فرم ارتباطات را تغییر داده است و این امر محقق نمی شود مگر با وجود وسایل و تجهیزات الکترونیکی. بنابراین یکی از ملزومات بهره مندی از وسایل الکترونیکی و برقراری ارتباط، کاربرد و استفاده از داده های الکترونیکی بوده که گاه ممکن است افرادی خلاف کار با استفاده ی سوء درصدد ضربه ی مادی، معنوی و یا حیثیتی به افراد دیگر باشند که در این جا ضرورت های قابلیت استناد ادله الکترونیکی را چنین می توان برشمرد: ۱) طرح راهکارهایی جهت پیشگیری از وقوع جرایم در فضای سایبر؛ ۲) احراز مجرمیت بزهکاران؛ ۳) حل و فصل پرونده هایی که در باب جرایم سایبر مطرح می گردد و غیره.

سؤال های تحقیق

۱. آیا ادله ی الکترونیکی قابل استناد و ارائه به دادگاه، باید دارای شرایط ویژه و متفاوت از ادله ی فیزیکی باشند؟
۲. آیا ادله ی الکترونیکی از آن درجه اعتبار و ارزش اثباتی برخوردار است تا به تنهایی مستند علمقاضی و مبنای صدور حکم کیفری قرار گیرد؟

۳. در راستای استنادپذیری ادله الکترونیکی چه ساز و کارهایی برای اصل تحصیل دلایل در امور کیفری پیش بینی شده است؟

گفتار اول: اقرار

الف) اقرار در لغت

اقرار از ماده‌ی «ق - ر - ر» و در لغت و عرف به معنای اقرار دادن، ثابت کردن و اعتراف کردن است و این کلمه مصدر فعل اقرّ نیز می‌باشد. که با توجه به ریشه آن در لغت به معنی با گفتار خود ثابت کردن کاری و امری، اعتراف کردن و سخن را واضح و آشکار بیان کردن، می‌باشد.^۴

ب) اقرار در اصطلاح فقهی

با توجه به تعاریفی که از اقرار در اصطلاح لغوی آن بیان شد، باید گفت که معنی اصطلاحی اقرار نیز نزدیکی معنایی زیادی با معنای لغوی دارد که به قرار زیر می‌باشد:

«اقرار نوعی اخبار است و اقرارکننده خبر می‌دهد که حقی برای دیگری بر عهده وی ثابت است. از آن رو که وی قصد اخباری دارد، نه انشاء، اقرار نه یک عمل حقوقی = عقد یا ایقاع - بلکه یک واقعه حقوقی است»^۵.

ج) اقرار در اصطلاح حقوقی

اقرار عبارت از اخبار به حقی است، و معمولاً در کتب فقهی تحت عنوان «کتاب الاقرار» یا «قاعده اقرار» آمده است. از طرف دیگر فرد اقرارکننده باید بالغ، عاقل، رشید، دارای قصد و اختیار باشد زیرا اقراری که از روی اجبار و شکنجه صورت گیرد فاقد ارزش است.^۶ چرا که اقرار در واقع آن چنان اطمینان‌بخش است که سایر دلایل تاب برخوردار با آن را ندارند و هرگاه اقرار احراز شود، طرفی که به آن استناد می‌نماید از ارائه دلیل مورد اقرار معاف بوده و دادگاه نمی‌تواند از او دلیل دیگری بخواهد.^۷ قانون‌گذار ایران نیز صریحاً این نکته را تأکید و مقرر داشته:^۸

«هرگاه کسی اقرار به امری نماید که دلیل ذی‌حق بودن طرف او باشد، دلیل دیگری برای ثبوت آن لازم نیست به عبارتی رساتر، اقرار، ملکه‌ی دلایل و قاطع دعوا است.

^۴ . عمید، حس، فرهنگ فارسی، ۱ ج، ۳۳، ۱۳۸۴، ص ۲۱۵.

^۵ . شهید اول، لمعه دمشقیه، ج ۱، ۵۵، ۱۳۹۴، ص ۱۶۴.

^۶ . مواد ۱۶۴ و ۱۶۸ و ۱۶۹ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و گلدوزیان، ایرج، مَحْشای قانون مجازات اسلامی، ۱ ج، ۲۱۲ تا ۲۰۸، ۱۳۹۲، صص ۲۰۸ تا ۲۱۲.

^۷ . شمس، عبدالله، آئین دادرسی مدنی، ج ۳، ۲۸، ۱۳۹۴، صص ۲۸۶ تا ۲۸۸.

^۸ . برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید: حیاتی، علی، آئین دادرسی مدنی در نظم کنونی، ۱ ج، ۴، ۱۳۹۲، صص ۳۴۴ و ۳۴۵.

گفتار دوم: اقسام اقرار

الف) اقرار شفاهی

ماده ۲۰۴ قانون آئین دادرسی مدنی چنین مقرر داشته است: «اقرار شفاهی است وقتی که حین مذاکره در دادگاه به عمل آید و کتبی است در صورتی که در یکی از اسناد یا لوایحی که به دادگاه تقدیم گردیده اظهار شده باشد. در اقرار شفاهی، طرفی که می‌خواهد از اقرار طرف دیگر استفاده نماید باید از دادگاه بخواهد که اقرار در صورت مجلس قید شود».

در بخش انتهایی این ماده مقرر شده است که در اقرار شفاهی، ذی‌نفع می‌تواند از دادگاه بخواهد که اقرار فرد در صورت مجلس قید شود. ولی، باید گفت که ماده ۱۰۲ مقرر می‌دارد که در موارد زیر عین اظهارات طرف‌های دعوا باید نوشته شود: الف) هنگامی که بیان یکی از آن‌ها مشتمل بر اقرار باشد... به نظر می‌رسد که این دو ماده با یکدیگر در تعارض اند. زیرا، مطابق ماده ۱۰۲، تکلیف دادگاه است در صورت اقرار یکی از طرف‌ها، عین اظهارات وی را بنویسد. ولی، ماده ۲۰۴ مقرر داشته که در صورت درخواست طرفی که می‌خواهد از اقرار استفاده کند، دادگاه باید آن را در صورت مجلس قید کند. شاید این تعارض ظاهری را بتوان این‌گونه حل کرد که تکلیف دادگاه در بند ۱ ماده ۱۰۲، با توجه به ماده ۲۰۴، در صورت درخواست شخصی که می‌خواهد از اقرار استفاده کند ایجاد می‌شود. بدین ترتیب، باید گفت که میان این دو ماده تعارضی وجود ندارد.^۹

حضرت امام خمینی (ره) می‌فرماید: «اقرار عبارت است از اعلام و اخبار جازم مقرر به حقی لازم که از کسی به عهده‌ی او آمده است و یا اعلام و اعتراف به عملی که به خاطر آن کسی به ذمه‌ی او ثابت گشته و یا حکمی علیه او ثابت شده است... و یا بگوید که برای من بر گردن فلانی حقی نیست و یا بگوید چیزی که فلانی تلف کرد از من نیست. و چیزهایی شبیه به لغات، بله به اقرار به هر زبانی عربی به فارسی و یا هندی به ترکی و... صحیح است. البته هرگاه عالم به معنای آنچه که از آن زبان تلفظ می‌کند باشد و در اقرار جازم بودن و قطعی بودن معتبر است. پس اگر «بگوید» - شفاهی - که مظنون هستم و یا احتمال می‌دهم که برای تو حقی بر گردن من باشد، اقرار محسوب نمی‌شود.^{۱۰}

ب) اقرار کتبی - اقرار در دادگاه و اقرار در خارج دادگاه

ماده ۲۰۳ قانون آئین دادرسی مدنی اشعار داشته: «اگر اقرار در دادخواست یا حین مذاکره در دادگاه یا در یکی از لوایحی که به دادگاه تقدیم شده است به عمل آید «اقرار در دادگاه محسوب می‌شود، در غیر این صورت اقرار در خارج از دادگاه تلقی می‌شود».

مطابق ماده‌ی صدرالذکر به سه نوع اقرار اشاره شده است:

^۹. حیاتی، علی، همان، ص ۳۴۸.

^{۱۰}. حضرت امام خمینی (ره)، تحریرالوسیله، ۱ ج، ۱، ۱۳۹۱، ص ۲۳۴.

- اقرار در دادخواست. در این مورد باید گفت که لازمه این که اقرار در ضمن دادخواست اقرار در دادگاه انگاشته شود، این است که دادخواست به دادگاه ارائه و مطابق ماده‌ی ۴۹ به ثبت دفتر دادگاه رسیده باشد؛ وگرنه صرف تنظیم دادخواست بدون این که به دادگاه ارائه شود، اقرار در دادگاه نیست.
- اقرار حین مذاکره در دادگاه. به نظر می‌رسد که منظور قانون‌گذار از حین مذاکره در دادگاه، مذاکره‌های ضمن جلسه‌ی دادرسی در حضور دادرسی دادگاه است و مذاکره‌های بدون جلسه دادرسی و بدون رسمیت از این لحاظ اعتباری ندارد. بنابراین، اقرار پیش یا پس از جلسه رسمی دادرسی، هرچند در دادگاه باشد، اقرار در دادگاه انگاشته نخواهد شد.
- اقرار در یکی از لایحه‌هایی که به دادگاه ارائه می‌شود.^{۱۱}

گفتار سوم: رجوع

الف) رجوع در لغت

رجوع از حروف اصلی ر- ج - ع و به معنی بازگشتن، برگشتن، باز آمدن و بازگشت می‌باشد. علاوه بر آن رجوع در فرهنگ فارسی عمید به معنی بازگشت مرد است به سوی زنی که طلاق داده، یعنی هنوز عده تمام نشده مجدداً علاقه‌ی زناشویی را برقرار کند بدون عقد نکاح جدید.^{۱۲}

ب) رجوع در اصطلاح

رجوع در اصطلاح به وضعیتی گفته می‌شود که فردی از کرده خود پشیمان است و به نیت تلافی و یا در مواردی انتقام‌جویی باز می‌گردد و می‌خواهد از این طریق با رجوع نمودن، اموری را که در گذشته باب میلش نبوده‌اند را به شکل دلخواه خود رقم بزند.

حال نظر به معنای لغوی و اصطلاحی، رجوع از اقرار آن است که شخص مقرر بنا به دلایلی مدعی صحیح و قانونی نبودن اقرار خویش باشد و از آن رجوع یا عدول کند. با این اوصاف می‌توان گفت که مفهوم اصطلاحی رجوع در زمینه‌های مختلف می‌تواند معانی متعددی را به همراه داشته باشد و دارای اقسام مختلفی است که عبارتند از: ۱- فعلی ۲- قولی.

گفتار چهارم: اقسام رجوع

الف) رجوع فعلی

^{۱۱} . حیاتی، عباس، پیشین، ص ۳۴۶.
^{۱۲} . عمید، حسن، فرهنگ فارسی، ۱ ج، ۱ ج، ۱۲، ۱۳۷۷، ص ۶۴۶.

رجوع فعلی عبارت است از این که افراد سعی می‌کنند تا از افعال خود به شکل‌های مختلف برگشت نمایند و یا به گونه‌ای موجبات به وجود آمدن آن را مورد تردید قرار دهند و مانع از ترتیب اثر داده شده به آن شوند که از همین رو به شکل‌های رفتاری و فعلی سعی در رجعت کردن از اقدام خود برمی‌آیند.

ب) رجوع قولی

به نظر می‌رسد که نه تنها از طریق عملی، بلکه از لحاظ قولی نیز می‌توان از اقرار رجوع نمود اما این امر مستلزم رعایت شدن برخی اصول و مسائل است تا شخص مقرر بتواند از اقرار خود رجوع نماید که از آن جمله شرایط: اقرار گرفتن اولیه تحت شکنجه و تهدید و اغفال می‌باشد؛ زیرا این امر می‌تواند اساس صحیح بودن اقرار شخص مقرر را به چالش بکشاند. زیرا فرض بر آن است که هر جا که نتوان دلیل ارتکاب یک جرم را به طرق قانونی به دست آورد، عدالت وجود ندارد. بنابراین قانون ایران در جهت اکرام به حاکمیت صداقت در تحصیل دلیل است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، قانوناً مجاز نبوده، اعتبار ندارد^{۱۳}. کما این که در روایات معصومین به این امر نیز تصریح شده است و اقرار با شکنجه و تهدید را معتبر نمی‌داند و اصلاً چنین اقراری را اقرار نمی‌دانند و حدود را بنابر چنین اقرار جاری نمی‌کنند:

حضرت امام صادق به نقل از امام علی علیه السلام می‌فرمایند: کسی که به خاطر برهنه کردن یا ترساندن یا زندان نمودن یا تهدید اقرار کند، حد بر او جاری نمی‌شود. در روایتی دیگر نیز از امام صادق علیه السلام نقل شده است که: حد قطع جاری نمی‌شود بر کسی که با زدن و زندان و زور، ترسانده شود و اگر اعتراف نکرد، به خاطر ترساندن، حد از وی ساقط می‌شود.^{۱۴}

گفتار پنجم: رجوع از اقرار

الف) رجوع از اقرار در امور کیفری و آثار آن

● رجوع از اقرار در سرقت حدی: شرب خمر، قوادی و قذف

ماده‌ی ۱۷۳ قانون مجازات اسلامی صراحتاً مرقوم داشته که: «انکار بعد از اقرار، موجب سقوط مجازات نیست به جز اقرار به جرمی که مجازات آن رجم یا حد قتل است که در این صورت در هر مرحله، ولو در حی اجرا، مجازات مزبور ساقط و به جای آن در زنا و لواط صد ضربه شلاق و در غیر آن‌ها حبس تعزیری درجه‌ی پنج ثابت می‌گردد».

نظر به مفاد ماده‌ی موصوف انکار بعد از اقرار، در هر مرحله ولو در هنگام اجرای مجازات، در جرایم پیش‌بینی شده در قانون از موجبات استثنایی سقوط مجازات است. مانند کیفر رجم (سنگسار) یا حد قتل که سالب حیات و اعدام

^{۱۳}. اصل (۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است». متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود. همچنین ماده‌ی ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته: «اقراری که تحت اکراه، اجبار، شکنجه و یا اذیت و آزار روحی یا جسمی اخذ شود، فاقد ارزش و اعتبار است و دادگاه مکلف است از متهم تحقیق مجدد نماید.

^{۱۴}. به نقل از محمدبن الحسن، وسایل الشیعه الی التحصیل مسائل الشریعه، داراحیاء، ۱۴۱۸، ۴۹۷.

در جرایم علیه امنیت مانند محاربه، بغی و افساد فی الارض و سب النبی یا توهین به مقدسات) است که موجب سقوط کیفرهای این جرایم می‌شود. ولی به جای اعدام و رجم در زنا و لواط، صد ضربه شلاق و در دیگر جرایم، با انکار پس از اقرار، مستوجب حبس تعزیری درجه‌ی پنج می‌باشد. این جرم‌انگاری و تبدیل الزامی مجازات، از ابتکارهای قانون‌گذار جزایی نوین است.^{۱۵}

در حالی که فقها در سقوط مجازات حد و جواز و یا ممنوعیت رجوع از اقرار در سرقت مستوجب حد قائل به دو دیدگاه شده‌اند:

● دیدگاه اول: حد سرقت ساقط می‌شود ولی سارق ضامن مال مسروقه می‌باشد.

● دیدگاه دوم: انکار بعد از اقرار اثری ندارد و حد سرقت اجرا می‌گردد.^{۱۶}

حضرت امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله از میان دو قول مارالذکر نظریه‌ی سقوط حد را قول قوی دانسته و نظر دوم را نزدیک به احتیاط می‌دانند.

در حالی که در خصوص عدم امکان رجوع از اقرار در زنا، نظرات دقیق و نسبتاً متواتری از سوی فقها در شناسایی نوع عملی رجوع از اقرار، نسبت به فردی که محکوم به رجم به علت اقرار به زنا محصنه شده است وجود ندارد و آنان در تبیین اقدام به فرار این‌گونه افراد محکوم، از گودال رجم که گودال مجازات آنان است، آورده‌اند که این‌گونه موارد موجبات ایجاد شبهه در کیفر دادن فرد را به وجود می‌آورد و همین امر موجبات سقوط حد را در هر شرایطی فراهم نمی‌آورد زیرا حد و مجازات آن فرد ممکن است همراه با ادله‌ی دیگری به اثبات رسیده باشد و یا حتی بیم تجری سایر افراد به علت معافیت از مجازات زنا آن فرد برود. پس باید با توجه به معنی معکوس نظرات و ادله بیان شده بیان نمود که فقها، فرار را در صورتی که موجبات اثبات زنا با شهادت ثابت شده باشد، از دلایل رجوع عملی یا فعلی از اقرار نمی‌دانند بلکه در این موارد معتقد به بازگرداندن مجرم برای تحمل کیفر دارند و رجوع از اقرار صریح و یا ضمنی صورت گرفته را مؤثر در مقام نمی‌دانند.

باید گفت که انکار بعد از اقرار در حد زنا فقط در مواردی که مسموع باشد، موجب سقوط حد می‌گردد و قابلیت رجوع را دارد. قانون مجازات اسلامی نیز به شرح پیش گفته انکار بعد از اقرار را در زنا موجب حد رجم و قتل، مسموع و موجب سقوط مجازات حد می‌داند، جز این که بیم تبانی و یا سوء استفاده و یا غیرواقعی بودن رجوع از اقرار را بدهد. با توجه به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با رجوع به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر در یافتن حکم قضیه در موارد سکوت قانون، می‌توان به قول مشهور فقها در این مسأله رجوع و حد جلد را ثابت دانست و فقط حد رجم و قتل ساقط می‌شود. رأی دیوان عالی کشور نیز در مورد این قضیه مبین مطالب بوده و مقرر داشته: «رأی دادگاه مبنی

^{۱۵} . گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، پیشین، ص ۲۱۴.

^{۱۶} . برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به نمایه‌ی: «عدم اجرای حد سرقت در ایران» شماره‌ی ۱۹۶۷، که سایت ۲۰۷۰ به آدرس

بر رجم قابل ابرام نیست چون... مشارالیه در جلسه دادگاه منکر اقرار شده و انکار بعد از اقرار موجب سقوط رجم است و فقط حد جلد قابل اجرا است لذا رأی نقض می‌شود.^{۱۷}

ب) رجوع از اقرار در امور حقوقی و آثار آن

مقنن انکار بعد از اقرار در امور مدنی را به طور کلی مسموع ندانسته است اما چنانچه ثابت شود که اقرار مزبور مبنی بر اشتباه یا غلط بودن یا به لحاظ عذری صورت گرفته است، به انکار بعد از اقرار توجه می‌شود اما تا زمانی که مقرر نتواند ادعای خویش در خصوص فساد، اشتباه، غلط بودن اقرار و یا وجود عذری را ثابت کند. همچنان مأخوذ و ملزم به اقرار خویش خواهد بود و رویه‌ی قضائی نیز انکار بعد از اقرار در امور مدنی را نپذیرفته است.^{۱۸}

حضرت امام خمینی (ره) نیز چنین فرمودند: اگر به چیزی اقرار کند و در پی آن مطلبی بگوید که ضد آن اقرار و ناسازگار با آن باشد اقرار را اخذ می‌کنند و آن مطلبش را نادیده می‌گیرند، مثلاً اگر بگوید: (فلانی از من ده تومان نه بلکه نه تومان طلب دارد) ملزم به دادن ده تومان می‌شود و نیز اگر بگوید: او از من ده تومان پول شرابی که به من فروخته و یا بر سر من امانتی دارد اما تلف شده) و این دو جمله با هم منافات دارد زیرا از یک طرف می‌گوید نزد من امانتی دارد و از طرف دیگر می‌گوید تلف شده چون ظاهر کلمه: (دارد) این است که هم اکنون نزد او موجود است، بله اگر بگوید: (او نزد من امانتی گذاشته بود و تلف شد) بین دو جمله‌اش منافاتی نیست ولی ادعایی است که باید طبق موازین شرعی فیصله یابد.^{۱۹ و ۲۰}

گفتار ششم) استنادپذیری اقرار در فضای مجازی در آراء دادگاه های کیفری ایران

جوامع بشری روزبه روز در حال پیشرفت و توسعه اند و در این راه همواره به دنبال ابداع ابزارهای هستند که انجام امور را سهل تر و سریع تر می‌نماید. از جمله تحولات مهمی که تاثیر بسزایی در عرصه ارتباطات و اطلاعات داشته، پیدایش ابزار الکترونیکی است. پیدایش ابزار الکترونیکی، هرچند با مزایای بسیاری همراه بود و تحول شگرفی را در عرصه ی ارتباطات و اطلاعات ایجاد نمود، اما ماهیت این ابزار نوظهور، با گذشت زمان، زمینه ایجاد مسائل متعددی را ایجاد کرد؛ از جمله ویژگی های این ابزار، می‌توان به ناملموس بودن، رؤیت ناپذیری (Invisibility) و صعوبت در دسترسی به اطلاعات ذخیره شده در آنها اشاره کرد. وجود چنین قابلیت هایی در ابزار الکترونیکی، سودجویان و منفعت طلبان را برآن داشت تا با تمسک و توسل به این امکانات بدیع و با سوءاستفاده از نقاط ضعف آنها- که قابل بررسی و کنکاش است- به عملی کردن افکار خود به نحو سریع تر و دقیق تر بپردازند. در واقع، اگر در گذشته، ارتکاب جرم با سختی و مشقت همراه و رفتار مرتکب، ملموس و قابل رؤیت بود و بزه دیدگان جرم مشخص و قابل شمارش بودند، امروزه با وجود چنین امکاناتی، مرتکب، در فضایی آرام و بدون مشقت، به دور از چشم همگان و در کسری از

^{۱۷}. دادنامه‌ی شماره‌ی ۱۵۶۵ مورخ ۱۳۷۱/۹/۲ صادره از شعبه‌ی ۲۶ دیوان عالی کشور.

^{۱۸}. کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم کنونی، ج ۱، چ ۱۱، ۱۳۸۴، ص ۷۷۹ و امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، ج ۶، چ ۶، ۱۳۹۳، ص ۶۸.

^{۱۹}. امام خمینی (ره)، تحریرالوسیله، پیشین، ص ۲۳۸ و برای مطالعه‌ی بیشتر رجوع کنید؛ آراء شماره‌ی ۹۱ مورخ ۷۹/۳/۱۰ پرونده کلاسه: ۶۶۹۰۴/۳۴/۱۵ ردیف ۷۹/۶ و ۵۱۵ مورخ ۱۳۲۸/۳/۱ و ۸ مورخ ۱۳۷۱/۱/۲۳ و ۱۸/۱۵۴/۶۹ مورخ ۱۳۶۹/۲/۳۰.

^{۲۰}. کارخیران، محمدحسین، کامل‌ترین مجموعه‌ی محشی حقوق مدنی ایران، ج ۵، چ ۱، ۱۳۹۴، ص ۲۶۹۸ تا ۲۷۰۳.

زمان، قادر خواهد بود افراد بی شماری را قربانی رفتار مجرمانه خود کند. وجود چنین شرایطی، دولت‌ها را بر آن داشت تا به مقابله با این وضعیت برآیند و از طرق گوناگون، مانع شیوع و گسترش آن شوند. قانونگذاری و وضع مجازات برای مرتکبین جرایم رایانه‌ای از جلوه‌های این مقابله می‌باشد. اما جرم‌انگاری در مورد مرتکبان این جرایم، راهگشا و حلال تمام مشکلات نبود؛ چرا که اثبات وقوع عمل مجرمانه و انتساب آن به متهم، نیازمند دلایل محکمه‌پسند و قانونی می‌باشد، که از طریق آن‌ها بتوان مجرم را به محاکمه کشاند. قانونگذار جمهوری اسلامی ایران، بخش دوم از قانون جرایم رایانه‌ای را به آیین دادرسی اقرار در فضای مجازی اختصاص داده و در فصل سوم از این بخش در ماده ۵۰ بیان می‌دارد؛ چنانچه داده‌های رایانه‌ای توسط طرف دعوا یا شخص ثالثی که از دعوا آگاهی نداشته، ایجاد یا پردازش یا ذخیره یا منتقل شده باشد و سیستم رایانه‌ای یا مخابراتی مربوط به نحوی درست عمل کند که به صحت و تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری داده‌ها خدشه وارد نشده باشد، قابل استناد خواهد بود؛ و قانونگذار در ماده ۵۱ نیز مقررات فصل دو و سه قانون مزبور را در مورد سایر جرایمی که اقرار در فضای مجازی در مورد آنها استناد می‌شود را لازم الاجرا می‌داند. اما مسأله‌ی مهم این است که دلالت «استنادپذیری» مذکور در ماده ۵۰ قانون جرایم رایانه‌ای، محل تردید است و به نظر می‌رسد در رویه دادگاه‌های کیفری ایران، ادله‌ی الکترونیکی، فاقد ارزش اثباتی همچون دلایل چهارگانه در قانون مجازات اسلامی بوده و دال بر قابل طرح بودن این ادله در دعوی کیفری به عنوان اماره و روشن‌کننده‌ی موضوع در کنار دیگر دلایل می‌باشند. همچنین تفاوت این «استنادپذیری» در دعوی محض الکترونیکی با طرح این دلایل در دعوی سنتی و نحوه‌ی برخورد رویه‌ی قضایی در مواجهه با این دلایل و میزان اعتبار دهی به این دلایل در گفتمان قضایی قابل بررسی و کنکاش است. دشواری و صعوبت در کسب دلایل الکترونیکی، استنادپذیری آنها را در محاکم کیفری با چالش‌هایی مواجه نموده است؛ چرا که ماهیت داده‌ها (Data) و اطلاعات (Information) الکترونیکی همانند ادله سنتی، همان‌طور که اشاره شد، ملموس و قابل رؤیت نیست. مقام تعقیب، موظف است، با توجه به اصل الزامی بودن تعقیب، دلایل لازم جهت احراز و اثبات بزه را کسب و قابلیت استناد آنها و انتساب آنها به مرتکب را بررسی نماید. رؤیت‌ناپذیری و ناملموس بودن این ادله، کشف آنها را با دشواری روبرو می‌کند و پنهان‌سازی یا مخفی کردن این دلایل از دسترس مقامات رسیدگی‌کننده، مشکل را مضاعف می‌نماید. از طرفی، مقام رسیدگی‌کننده برای اثبات اتهام ناچار از کسب این دلایل با ویژگی‌های پیش‌گفته است و از طرف دیگر قانون آیین دادرسی کیفری بر رعایت تشریفات کسب دلیل و ضرورت حفظ حریم خصوصی اشخاص تأکید می‌نماید (ر.ک به ماده ۴ ق.آ.د.ک). رویارویی و تضاد بین الزامی بودن تعقیب و کسب دلایل الکترونیکی با ضرورت رعایت تشریفات کسب دلیل و حفظ حریم خصوصی اشخاص، از دیگر مسایل درخور توجه است. اینکه مقام رسیدگی‌کننده در مقام اثبات یک ادعا و جهت کسب یک دلیل که از سنخ دلایل الکترونیک است، گاهی بین رعایت حریم خصوصی اشخاص از سویی و رعایت تشریفات کسب دلیل و جمع‌آوری آن از سوی دیگر با چالش و ابهام روبرو می‌شود. به نظر می‌رسد اساساً دسترسی به ابزار الکترونیکی و اطلاعات موجود در آنها می‌تواند با رعایت حریم خصوصی اشخاص در تعارض باشد و در صورت دسترسی به این اطلاعات بدون توجه به تشریفات کسب دلیل، دلایل مکشوف قابلیت استناد در امر کیفری را ندارند. مبحث گفته شده به خصوص در ارتباط با جرایم با اهمیت همچون جرایم علیه امنیت ملی، جرایم سازمان‌یافته، جرایم مالی و جرایم شرکتی که غالباً در نظر گرفتن رعایت تشریفات دادرسی در بررسی این گونه جرایم با چالش‌های متعددی روبرو است و نیز جرایم مستوجب مجازات حد که به علت رعایت

ضوابطی همچون قاعده درا و اصل ستر(بزه پوشی) که قاضی را بر آن می دارد که از تحقیق در این گونه جرایم اجتناب نموده و حتی متهم را تشویق به انکار ارتکاب جرم حدی نماید(بزه پوشی)، مطرح می شود.

در مسأله اول (ادله اثبات)، منطق لزوم ارائه اصل سند توسط مدعی درعالم حقوق همچنان پابرجا است و سطح فناوری موجود جهان نم تواند تأمین کننده این استاندارد حقوقی باشد. قوانینی نیز که مقرر میدارند داده‌پیام یا سند الکترونیک به جای سند کاغذی قابل استناد است، مفاد آنها ملازمه با نفی قاعده اصل سند ندارد مگر آنکه حکم صریحی در این زمینه از سوی قانونگذاران ملی وضع شود که نمونه آن از قانون ادله انگلیس نقل شد که آن نیز عملاً منوط به نظر دادگاه در هر پرونده است و در رویه تجار مشکلی را نمیتواند رفع کند و به‌ویژه در مسأله دوم، نیز آنان مطابق قوانین خاص اسناد مشروحه فوق، مادام که اصل را دریافت نکنند معمولاً خطر نمیکنند و پول و کالا را در برابر کپی تحویل نمیدهند.

البته میتوان گفت در صورتی که تاجری قبلاً با طلبکار در استفاده از سند الکترونیک آن توافق لفظی یا عملی کرده باشد حق نخواهد داشت بعداً به عدم اصالت واقعی سند مزبور استناد کند زیرا در واقع از حق ایراد مزبور قبلاً صرفنظر کرده است. در غیر اینصورت نم میتوان او را ملزم به پذیرش سندی کرد که هیچ اطمینانی در نبود نسخ ههای مکرر یکسان از آن نزد سایرین وجود ندارد.

گفتار هفتم) قابلیت انتساب سند الکترونیک

وقتی سندی معتبر است که بتواند به صادرکننده اش منتسب شود. اثبات این امر محدود به روش خاصی مانند امضا یا غیر آن نیست ۱ و میتواند با هر دلیلی از ادله پنجگانه اثبات دعوی حاصل گردد. ادله اثبات انتساب را میتوان به دو قسم برون سندی و درون سندی طبق هبندی کرد.

در تعریف سند در ماده ۱۲۸۴ قم، قید امضا یا مهر نیست بنابراین گرچه نوعاً امضا یا مهر بهترین وسیله برای انتساب سند به صادرکننده و وجود اراده او برای آن در مواردی که نیاز به اراده هست محسوب میشود، ولی انحصاری در این خصوص نیست و به هر طریقی که با توجه به قرائن بتوان صدور سند را اثبات نمود، نوشته سندیت خواهد داشت. البته در مواردی که به شرح مذکور در متن، وجود امضا موضوعیت دارد و بدون آن سند خاص به وجود نمیآید، امضا لازم خواهد بود.

گروه اول شامل اقرار صادرکننده، گواهی شهود و امارات قضایی یعنی قرائن و اوضاع و احوالی است که قاضی بر اساس آنها قانع میشود سند توسط شخص معینی صادر شده است. اما گروه دوم امضا، مهر، دستخط و هرگونه قرینه‌های در درون خود سند را در بر م یگیر د. ضمن آنکه در موارد اخیر نیز هرگاه مدعیعلیه نسبت به آنها انکار، تردید یا ادعای جعل نماید، باز باید برای اثبات انتساب به وی، از ادله بیرونی مانند نظریه کارشناسی کمک گرفته شود. قبلاً اشاره کردیم که گاه امضا یا مهر، علاوه بر ایفای نقش اثبات انتساب سند به صادرکننده، نقشی ماهوی را نیز در به وجود آمدن آن ایفا مینمایند. بهطوری که حتی اگر کاملاً محرز باشد که سند توسط خواننده دعوی تنظیم و تسلیم خواهان

شده است، ولی به سبب آنکه فاقد امضا یا مهر است، اعتبار و اثر خاص قانونی آن سند را ندارد. اسناد تجاری یا بارنامه از اینگونه هستند و بدون امضا یا مهر اصلاً به وجود نمی‌آیند تا بتوان بر اساس آنها طرح دعوی نمود و اثبات انتساب آنها به صادرکننده اثر خاص قانونی را در پی نخواهد داشت. این اسناد، علاوه بر دلیل اثبات دعوی بودن، صدورشان عمل حقوقی محسوب می‌شود. انتساب سند در مبادلات الکترونیک در دو مرحله قابل بررسی است، اول مرحله تنظیم و امضاء سند و دوم مرحله ارسال تا وصول آن. در مرحله اول بحث امضای الکترونیک مطرح است درحالی‌که در مرحله دوم، صحت و ایمنی سامانه الکترونیک از مبدأ تا مقصد مورد توجه است.

گفتار هشتم) امضای الکترونیک

معمولاً قانونگذاران امضا را تعریف نکرده‌اند و این امر و مصادیق آن را به عرف واگذار نموده‌اند. عرف نیز هرگونه علامت دستی، حروف یا ترکیب آن و علامتها را امضاء محسوب می‌کند. در برخی کشورها نظیر کشورهای با حقوق عرفی، مهر نیز از انواع امضاء تلقی می‌شود ولی در سایر کشورها از جمله ایران، مهر با امضاء ظاهراً متفاوت است. به همین (Reed, p. ۲۰۸). برات علاوه بر امضا یا مهر برات دهنده باید دارای " : سبب ماده ۲۲۳ قانون تجارت می‌گوید در بند ۲ ماده ۱۲۹۱ قانون مدنی نیز در مواردی که اعتبار سند معادل اسناد. " شرایط ذیل باشد رسمی می‌شود، مهر و امضا را جداگانه و متفاوت ذکر و در عین حال دارای اثر یکسان دانسته هرگاه در محکمه ثابت شود که سند مزبور را طرفی که آن را تکذیب یا تردید کرده ... " است

آنچه با اسکن کردن امضای دستی یک شخص و ذخیره آن در رایانه حاصل می‌شود، از مصادیق حداقلی امضای الکترونیک است. این گونه امضا تنها این امکان را فراهم می‌آورد که امضاهای صاحب آن در موارد آتی با آنچه در رایانه ذخیره شده است مقایسه و صحت امضاء توسط کاربر رایانه تأیید شود. این همان کاری است که در بانکها برای پرداخت چکها رایج است.

در وبگاه فروشگاه مجازی " پرداخت شود " یا " قبول دارم " کلیک کردن روی عباراتی نظیر نیز امضای مشتری محسوب می‌شود. زیرا این عمل با عنایت به مشخصات وی، نظیر نشانی الکترونیک و شماره کارت پول و رمز آن که به سامانه منتقل می‌شود، همان خاصیت و عملکرد امضا را در انتساب به شخص معین دارد.

اما در فناوری اطلاعات، روشهای کاملتری نیز برای امضا ۱ ابداع شده است که نه تنها درجه اطمینان زیادتری را نسبت به امضای دستی در امر اثبات انتساب داد هیپام به صادرکننده آن موجب می‌شود که افزون بر آن، هرگونه تغییر در مندرجات سند پس از صدور آنرا نیز برملا می‌سازد.

عنوان " مهر الکترونیک " هستند لذا " مهر " خوانده می‌شوند، ولی در واقع بیشتر مشابه " امضا " ۱. گرچه حسب مشهور مناسبتری برای آنها بود. زیرا همه آنها برنامه‌هایی رایانه‌ای و ذخیره‌شده در ابزار جانبی رایانه می‌باشند که توسط سازمانی مستقل تولید و به شخص متقاضی اختصاص داده می‌شوند و او پس از تهیه کردن متن سند، آن برنامه را به آن اضافه یا منضم می‌کند و بدین وسیله متن را به صورت رمز درآورده به خود نسبت می‌دهد.

ماده ۶ قانون نمونه آنسیترال، شرایطی را برای اعتبار اینگونه امضا در نظر گرفته که به اجمال در ماده ۱۰ قانون تجارت الکترونیک ایران تکرار شده است. علاوه بر امضاهای دیجیتالی که ماهیتی برنامه‌های دارند، امضاهایی که مبتنی بر زیست‌سنجی هستند نیز به همراه برنامه و از طریق رایانه کاربردی شده و از جایگاه بالایی از نظر اطمینان بخشی برخوردار هستند. با انتقال ساختار خطوط سرانگشتان یا شبکه چشم افراد به داخل رایانه و ذخیره کردن آن، این امکان به وجود می‌آید تا هر بار که صاحبان از آنها استفاده کنند، با آنچه ذخیره شده مقایسه و در صورت مطابقت، تأیید شود. در زمینه اینگونه امضاها نیز ایده‌ها و روشهای فنی متعددی مطرح شده است.

گفتار نهم) تناسب مفاد سند با روشهای ایمنی

اصولاً هدف از امضای سند، پذیرفتن مفاد آن است. در این مورد فرقی نمی‌کند که نقش سند صرفاً محدود به اعلام واقعیتی باشد که مستقل از آن وجود دارد، یا آنکه با اقدام به امضا، علاوه بر خلق سند به‌عنوان دلیل، یک عمل حقوقی نیز انشاء شود مانند اسناد تجاری. پذیرش محتوای سند به وسیله امضای آن، آنقدر نزد عرف روشن است که قانون مدنی لازم ندیده مستقیماً به آن اشاره کند و فقط به احکام و آثار سند پرداخته و حداکثر در ماده ۱۳۰۱ در "امضایی که در روی نوشته یا سندی باشد بر ضرر امضاءکننده دلیل است": مقرر داشته است واقع، اصل بر آن است که امضا برای پذیرش محتوای سند است و لذا تنها خلاف آن نیاز به اثبات دارد. اما قانون نمونه ۱۹۹۶ در بخش ب بند ۱ ماده ۷ در اعتبار سنجی داده پیام، به تناسب روش به کار رفته برای امضا با محتوای سند نیز توجه داشته است:

هرگاه قانون امضای شخصی را لازم بدانند، آن اقتضا در داده‌پیام برآورده خواهد شد

اگر: الف- روشی استفاده شده باشد که آن شخص را بشناساند و پذیرش او را نسبت به اطلاعات موجود در داده‌پیام معلوم نماید. ب- روش مزبور با عنایت به تمام اوضاع و احوال از جمله توافق مربوط، متناسب با هدفی که داده‌پیام برای آن تولید یا مبادله گردیده است، قابل اعتماد باشد.

عبارات فوق نشان می‌دهد که از نظر قانون نمونه، هر امضایی به صرف الکترونیک بودن برای اعتبار داده‌پیام کافی نیست و وجود تناسب بین روش امضا و مفاد سند نیز لازم است. موارد فوق در بند ۳ ماده ۹ معاهده ۲۰۰۵ نیز تکرار شده است. تعیین مصداق شرایط فوق با نظر عرف خواهد بود و بنا به اوضاع و احوال در هر مورد، قضات با استفاده از نظر کارشناسان آنرا احراز خواهند کرد. روشن است که هرگاه علیرغم عدم تناسب روش امضا با معاملاتی که انجام شده است، طرفین از قبل بر آن روش توافق کرده باشند، آن امضا معتبر خواهد بود. اما ایراد به ملاک مذکور وقتی خواهد بود که چنین توافق قبلی وجود نداشته باشد. بدین شرح که مطابق قانون نمونه، چنانچه با توجه به اوضاع و احوال و در نبود توافق طرفین، نوع امضا با هدف داده پیام تناسب نداشته باشد، امضای صورت گرفته اعتبار نخواهد داشت. درحالی‌که ممکن است طرفین در ابتدا توافقی بر تناسب مفاد سند با نوع امضا نکرده باشند و ضمن اختلاف آنان در سایر اعلام کرده است که اگر تناسب "اصل" مسائل باشد. چرا قانون نمونه رأساً و به‌عنوان یک یادشده وجود

نداشته باشد، امضا معتبر نخواهد بود و بدین ترتیب اصل سند را بیاعتبار میسازد؟ این ترتیب مستقل از اراده طرفین، گاه به زیان تمام طرفها و گاه به ضرر برخی از آنان خواهد بود بدون آنکه توجیه حقوقی داشته باشد.

البته در تنها در صورتی که در قضیه، شخص ثالثی مانند دولت در اموری مانند مالیات و غیر آن، ذینفع در بیاعتبار بودن داده‌پیام باشد، میتوان برای مقرر فوق توجیهی یافت (رضایی، همان، ص ۱۵۱)، ولی به هر حال همان مورد نیز قطعی نیست و قابلیت رسیدگی و احراز توسط دادگاه را خواهد داشت.

اما در قانون تجارت الکترونیک ایران این ایراد شدیدتر است. زیرا علاوه بر ملاحظه فوق، هرگاه قانون وجود امضا را لازم بداند: "از یک طرف در ماده ۷ به نحو مطلق اعلام میدارد یعنی قید و شرطی از نظر تناسب نوع امضا با مفاد سند قائل "امضای الکترونیکی مکفی است بهطور کلی، ارزش اثباتی داده پیام با توجه به": نشده و از طرف دیگر در ماده ۱۳ میگوید عوامل مطمئن از جمله تناسب روشهای ایمنی به کار گرفته شده با موضوع و منظور مبادله داده با عنایت به اینکه از جمله روشهای ایمنی و از مهمترین آنها، روش امضا "پیام تعیین میشود است، اگر تناسبی بین نوع امضا و مفاد سند الکترونیک نباشد، اعتبار سند مخدوش خواهد بود.

به هر حال چنین ملاکی در امضاهای غیر الکترونیک معمول نبوده و در قوانین بدان اشاره نشده است. به عبارت دیگر در قانون مدنی یا قوانین دیگر، در ایران و سایر کشورها معمول نبوده که قانونگذاران مثلاً از صادرکنندگان چک یا قراردادهای تجاری خواسته باشند در صورتی که ارزش سند از مبلغ معینی بیشتر باشد، روش یا تمهیدات ویژه‌ای در امضای خود معمول دارند. اگرچه ممکن است بنا به خواست متعهدله، علاوه بر امضای دستی، اثر انگشت نیز اخذ یا گواهی رسمی امضا نیز مطالبه شود. به هر حال این تمهیدات با اختیار طرفین قابل اعمال است و دخالت قانونگذار در آن توجیه ندارد. بله، در یک صورت حکم ماده ۱۳ قابل توجیه و هماهنگ با حکم موضوع در سایر اسناد خواهد بود. آن صورت عبارت از وضعیتی است که سندی مورد تردید متعهد باشد و یکی از ادله او برای بیاعتباری سند، به همراه سایر ادله و قرائن یا اصل عملی، قرینه عدم تناسب عرفی یا روال معمول بین طرفین در خصوص مفاد سند با روش امضا یا سایر ملاحظات ایمنی سامانه در تولید و ارسال باشد. به هر حال این ملاحظات، به عنوان اماره قضائی م ی تواند برای اعتبارسنجی سند مورد توجه قاضی قرار گیرد ولی قاعده و اصلی همانند آنچه در قوانین مزبور ذکر شده است توجیه حقوقی ندارد.

گفتار دهم) جایگاه سند الکترونیک در روابط اشخاص

این نکته مهمی است که باید روشن شود. آیا با وجود اعتبار قانونی داد هیپام، طرفهای روابط حقوقی ملزم به پذیرش چنین گونهای از مبادلات هستند و در هر حال مفاد آنها بر روابط اشخاص حاکم است؟

قوانین نمونه و تجارت الکترونیکی ایران در این زمینه ساکتند ولی یوتای آمریکا و معاهده ۲۰۰۵ ملل متحد در ارتباطات بینالملل در این خصوص دارای حکم مشخص هستند. در حالی که ماده ۷ یوتا تأکید میکند که امضای الکترونیک و قرارداد الکترونیک صرفاً به لحاظ نوع آنها قابل انکار نیستند، و هرگاه قانون وجود نوشت های را لازم بداند سوابق

الکترونیک کفایت میکند، در عین حال ماده ۵ تصریح م یکنند که قانون مزبور تنها بر معاملات حاکم خواهد بود که طرفها بر استفاده از این روش توافق کرده باشند ولو آنکه این توافق از رفتار آنان استنباط شود.

تقریباً مشابه همین ترتیب در ماده ۸ معاهده ۲۰۰۵ نیز آمده است. اما حکم قضیه در حقوق ایران چیست؟ پاسخ نخست آن است که چون احکام قانون تجارت الکترونیک به صورت آمره و بیان حکم داده‌پیام به طور مطلق بیان شده و منوط به توافق اشخاص نگردیده است، همانند احکام قانون مدنی در ادله اثبات دعوی بوده و بر روابط اشخاص در اعمال حقوقی و نیز در وقایع حقوقی حاکم است.

پاسخ دوم آن است که مقررات یوتای آمریکا و قتا ایران در عمل فرق زیادی ندارند. زیرا در هر دو، چنانچه طرفها از داد هیپام (سابقه الکترونی ک) استفاده کرده باشند، در آن صورت عملاً اعتبار آن را پذیرفته‌اند ولی اگر استفاده نکرده باشند، در آن صورت قضیه سالبه به انتفای موضوع خواهد بود. زیرا داده‌پیامی وجود نداشته است تا به آن ملتزم باشن. اما اگر یک طرف اراده خود را با داده‌پیام و طرف دیگر به وسیله دیگری اعلان کرده باشد، در آن صورت در آمریکا، ظاهراً ارسال کننده به پذیرش مفاد آن ملتزم شده است ولی در التزام طرف دیگر تردید است، درحالیکه در ایران هر دو طرف به اعتبار آن ملتزم هستند زیرا شرط توافق در قانون نیامده است.

نتیجه گیری

در جرایم رایانه ای تعقیب مرتکبان و اثبات جرم نیازمند استفاده از ادله ی خاص از جمله ادله الکترونیکی است که طرفین دعوی اعم از شاکی، متهم، دادستان و مرجع رسیدگی کننده به شرط قابل استناد بودن باید به آن استناد نمایند. در آیین دادرسی کیفری ایران فرض بر این است که دادستان باید در کیفر خواست ادله ی اثبات و همچنین در زمان رسیدگی در دادگاه ادله موجود را ارائه نماید، اما باید تاکید نمود که با این حال ادله ی سنتی همواره جواجوی پرونده های مرتبط با جرایم رایانه ای نیست. متعاقب تصویب قانون تجارت الکترونیک در سال ۱۳۸۲ که مقتبس از قانون نمونه آنسیترا ل بود و تعاریفی در خصوص داده پیام، امضا الکترونیکی و سوابق الکترونیکی ارائه نموده بود، مقنن ایران در سال ۱۳۸۸ قانون جرایم رایانه ای را تصویب و فصل سوم از مواد ۴۹ تا ۵۱ را به استناد پذیری ادله الکترونیکی اختصاص داده که در حال حاضر تمامی مواد قانون مذکور موضوع مواد ۷۲۹ تا ۷۸۵ قانون مجازات اسلامی قرار گرفته است. آخرین مقرر قانونی در این خصوص نیز قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بوده که بخشی از مباحث ادله اثبات را به قانون مجازات عمومی ارجاع نموده است.

یکی از چالشهای اصلی در مبارزه با جرایم در محیط الکترونیک و سایبر، مشکلات مربوط به تعیین هویت مجرم و ارزیابی حجم و آثار عمل مجرمانه می باشد. فرار بودن داده های الکترونیکی که امکان تغییر، جابجایی و یا پاک شدن آنها در عرض چندثانیه را فراهم می سازد بر مشکلات موجود می افزاید. به عنوان مثال کاربری که کنترل داده ها را در دست دارد ممکن است از سیستم کامپیوتری برای پاک کردن و از بین بردن داده هایی که موضوع تحقیقات جنایی هستند؛ استفاده نماید و ادله جرم را از بین ببرد. مسلم است که دلایل و مدارک به دست آمده از هر جرم شالوده و اساس شناسایی، دستگیری و تعقیب مجرمین می باشد.

دلیل به عنوان وسیله اثباتی به یکی از طرق پذیرفته شده قانونی و انتساب رفتار به شخص تحت تعقیب در امور کیفری، کاشف حقیقت است؛ حقیقتی که بر خلاف امور حقوقی تنها در راستای منافع افراد نیست و به آن محدود نمی‌شود. ادله از این جهت که قانوناً بتوانند صحت و قلم یک موضوع را تأیید کنند، از مهمترین مسائل مطروحه در آیین دادرسی کیفری به شمار می‌روند. اثبات هر امری در دادرسی کیفری به مفهوم نمایاندن واقع به کمک دلیل است؛ بنابراین، موضوعی که با توسل به دلایل در مراجع صالحه به اثبات نرسد، به منزله امری است که در عالم حقوق فاقد اعتبار است.

در عصر حاضر، یکی از مباحث مهم و پیچیده در نظامهای حقوقی، بحث ادله الکترونیکی، شیوه کشف و نحوه استناد یا پذیرش آنهاست؛ بحثی که همپای تحولات در عرصه فناوریها و ارتباطات، دامنه حقوق و حدود تعهدات را به دنیای مجازی کشانده و تغییرات بسیاری را در این ارتباط موجب شده است. دنیای مجازی و الکترونیکی الزامات، فرصتها، تهدیدها و محدودیتهای خاص خود را داراست. با به وجود آمدن جامعه دیجیتال و اطلاعاتی، بسیاری از فعالیتهای انسانی دچار تغییر و تحول شده است؛ ابعاد این دگرگونی چنان گسترده است که شاید به جرأت بتوان ادعا کرد که هیچ فعالیت و عملی یافت نمی‌شود که از فناوری و الزامات خاص شبکه بی بهره باشد. پدیدههایی همچون جهانی شدن، کار در فراسوی مرزها، تجارت الکترونیکی، بانکهای الکترونیکی و دولت الکترونیکی، به وجود آمدن شرکتهای چند ملیتی، شرکتهای متوسط و کوچک^۱، کلیه شؤونات زندگی و حوزههای کاری از جمله حوزههای حقوقی را به شدت تحت تاثیر قرار داده است. با مطرح شدن بحث تجارت الکترونیکی، اهمیت موضوع دو چندان می‌شود؛ بدیهی است در چنین فضای کاری نوع دعاوی مطرح شده، کثرت دعاوی، چگونگی اثبات، رد یا تعدیل دعاوی و به دنبال آن نوع ادله ارائه شده و مسائل حوزه جزیایی بسیار متفاوت خواهد بود؛ به عبارت دیگر، اسناد و مدارک سنتی قابل استفاده در محیطهای معمولی، دیگر قدرت پاسخگویی به فضای شبکه و جامعه مرتبط از طریق شبکه را ندارند.

نکته مهم آن است که ادله الکترونیکی لازم برای فعالیت در چنین فضایی باید برگرفته از ساختارها و الزامات این فضا باشد؛ بنابراین، شاید در متون سنتی و ادبیات نظری موجود در حیطه حقوق نتوان به روشنی و وضوح ادلهای را برای قراردادهای الکترونیکی استخراج کرد. با این حال، چارچوبهای مفهومی ارائه شده در رشته حقوق، در این زمینه نیز بسیار راهگشاست؛ زیرا با الگوگیری از روند تدوین ادله و دادخواهی های مدنی و جزیایی سنتی، می‌توان به تنظیم و ارائه ادله الکترونیکی پرداخت؛ بدیهی است در این رهگذر، گردآوری کلیه اسناد و مدارک کاغذی و الکترونیکی، مقابله و مقایسه این اسناد، استخراج متون مختلف برگرفته از متون نظری، جرح و تعدیل دادهها، طبقه‌بندی، استخراج و مهندسی مجدد اطلاعات می‌تواند بسته قابل توجهی از ادله - که قابلیت کاربرد در فضای شبکه را داشته باشد - به دست دهد.

در خصوص دلیل، نظامهای متفاوتی وجود دارد: نظام دلایل قانونی و نظام دلایل معنوی. در نظام قانونی، خود قانون طرقي را که دادرسی می‌تواند و یا باید به وسیله آنها اقناع وجدانی شود به او تحمیل می‌کند وقاضی در کشف واقعیت مکلف است تنها دلایلی را که در قانون برشمرده شدهاند بپذیرد؛ در برابر، در نظام دلایل معنوی، دلایل شمارش نشدهاند و هر آنچه بتواند سبب قناعت وجدانی دادرسی شود قابل استناد است و توان اثباتی دلایل نیز محدود نمی‌باشد؛ از این رو، دادرسی می‌تواند بر پایه واکنشهای وجدان خود بی آنکه با محدودیتی مواجه باشد، دلایل ارائه شده را آزادانه

مورد بررسی قرار دهد. نظام حقوقی ایران، نظام مختلط است. از یک سو، دلایلی که دو طرف از پیش برای اثبات حق خود فراهم آورده‌اند در صورتی که انتساب آن به دو طرف محرز شود، تا زمانی که دلایل قابل قبولی در برابر آن ارائه نشود معتبر است (دلایل قانونی). از دیگر سو، شهادت و اماره‌های قضایی در شمار دلایل اقناعی است و اعتبار آن وابسته به میزان اثری است که در اقناع دادرس ایجاد می‌کند (دلایل معنوی). به هر روی دلایل و وسایل اثبات در حقوق ایران عبارتند از: اسناد، گواهی، اقرار، کارشناسی، معاینه محلی، تحقیق محلی، امارات قانونی، امارات قضایی و سوگند.

در محیط‌های الکترونیکی و دیجیتالی نیز موضوع استناد به دلایل، مسلماً پیش می‌آید و ممکن است دلایل قالبی الکترونیکی داشته باشد. در همین راستا ماده ۱۲ قانون تجارت الکترونیکی مقرر می‌دارد: «اسناد و ادله اثبات دعوا ممکن است به صورت داده‌پیام بوده و در هیچ محکمه و یا اداره دولتی نمی‌توان براساس قواعد ادله موجود ارزش اثباتی داده‌پیام را صرفاً به دلیل شکل و قالب آن رد کرد».

بر این اساس ممکن است اصل وجود یک قرارداد الکترونیکی یا مفاد آن را مطابق قواعد عمومی با استناد به دلایل قانونی اثبات کرد؛ برای مثال، ممکن است یکی از طرفین برای اثبات انعقاد قرارداد الکترونیکی به شهادت شهودی استناد کند که خود آنها شاهد بوده‌اند که مدعی علیه متن قرارداد را در رایانه‌اش تایپ کرده و از طریق پست الکترونیکی برای مدعی ارسال کرده است؛ یا شهود، شاهد مکالمه تلفنی یا دریافت یا ارسال نامبری بوده‌اند که مرتبط با انعقاد قراردادی بوده است. علاوه بر این مدعی علیه ممکن است خود اقرار به انعقاد قرارداد کند، در حالی که مدعی هیچ دلیل یا قرین‌های دال بر وجود قرارداد ندارد؛ برای نمونه، وی خود اذعان می‌دارد که در اتاق‌های گپ زنی و با مبادلهٔ ایجاب و قبول قراردادی میان طرفین منعقد شده است. طریق مرسوم دیگر، ارجاع امر به کارشناس است. مدعی می‌تواند برای اثبات ادعای خود در رابطه با قراردادهای الکترونیکی، خواستار مداخلهٔ کارشناسان رایانه شود تا آنها با بررسی منابع پنهان ادلهٔ الکترونیکی، به ارزیابی صحت ادعاها بپردازند. از لحاظ فنی، معمولاً نسخه یا نسخه‌هایی از پیام‌های الکترونیکی در واحدهای خاصی نظیر سرور فایل‌های شبکه یا سامانه‌های رایانه‌های بزرگ یا در حافظهٔ اصلی یا جانبی رایانه یا در قسمت سطل بازیافت رایانه و غیره یافت می‌شود. علاوه بر این، نرم افزارهایی وجود دارد که این قابلیت را دارند که با بازگرداندن فایل‌هایی که حذف شده‌اند به کشف حقیقت کمک کنند و کارشناس با بررسی آنها ممکن است به این نتیجه رهنمون شود که برخلاف اظهارات مدعی علیه که منکر وجود قراردادی است، واقعاً اقداماتی که وی سعی در پنهان نگاهداشتن آنها در رایانه داشته است دلالت بر وقوع قراردادی میان طرفین دارد.

به عنوان یک قاعده کلی باید توجه داشت که وفق ماده ۱۳ قانون تجارت الکترونیکی «به طور کلی ارزش اثباتی داده پیامها با توجه به عوامل مطمئن از جمله تناسب روش‌های ایمنی به کار گرفته شده با موضوع و منظور مبادله داده‌پیام تعیین می‌شود». از این رو، در بررسی داده‌پیامها باید به اوضاع و احوال خاص هر قضیه و به‌خصوص روش‌هایی که برای ایمنی مبادلات به کار گرفته می‌شود عنایت کرد و ارزش اثباتی آنها را مطابق با معیارهای قانونی و ساختن بر این اساس ارزش داده‌پیامها را در همهٔ موارد نباید یکسان پنداشت. نکتهٔ دیگری که اشاره به آن لازم است این است که اگر داده‌پیام فاقد امضای الکترونیکی باشد، نوعی سند تلقی نمی‌شود و باید آن را در شمار نوشته‌هایی آورد که حسب شرایط ممکن است از امارات قضایی باشند و ارزیابی اعتبار آنها به عهدهٔ دادگاه است.

ادله الکترونیکی اگرچه ممکن است به شکل اسناد کاغذی نباشند، اما می‌توانند نقش موثری در فرایند دادرسی حقوقی و کیفری ایفا کنند. این ادله، صرفاً به صورت رایانه‌های نیستند؛ بلکه به وسیله دستگاه‌های ارتباطی مثل تلفن، ویدیو کنفرانس و مانند اینها نیز می‌توانند به وجود آیند. البته بهتر است به این نکته نیز اشاره شود که در حقوق ایران نیز، قانون تدابیر و قوانین مختلفی با توجه به پیشرفت تکنولوژی و تغییرات آن ارائه می‌دهد و سعی می‌کند تا حد امکان دست مجرمین را در مورد این مساله بسته نگه دارد.

منابع

۱. اسماعیلی مریم. مجموعه قوانین و مقررات جرایم رایانه‌ای، نشر حریر . چاپ دوم. ۱۳۹۴.
۲. آشوری محمد. آیین دادرسی کیفری، چاپ چهارم - نشر سمت - جلد دوم. ۱۳۸۲.
۳. امیر البوعلی. صلاحیت محاکم در جرایم سایبری - انتشارات جنگل. ۱۳۹۲.
۴. باستانی، برومند. جرایم کامپیوتری و اینترنتی. تهران: انتشارات بهنامی، چاپ دوم ۱۳۸۶.
۵. پورغلامی فراشبندی، مجتبی، ۱۳۹۲، سرقت حدی در فضای مجازی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان.
۶. تدین عباس . تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری - نشر میزان - چاپ دوم ۱۳۹۲.
۷. توکلی محمد؛ مدارهای منطقی (شیراز : انتشارات دانشگاه شیراز، چاپ دوم. ۱۳۷۵.
۸. جاویدنیا، جواد، ۱۳۸۷، جرایم تجارت الکترونیکی، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسند
۹. جعفر پور، ناهید. آیین دادرسی جرایم کامپیوتری. خبرنامه انفورماتیک، ش ۸۴، آبان ۱۳۸۱.
۱۰. جعفری لنگرودی محمدجعفر ، ترمینولوژی حقوق (تهران : کتابخانه گنج دانش، چاپ هشتم، ۱۳۷۰
۱۱. جلالی فراهانی امیر حسین ، تفتیش و توقیف رایانه ها و تحصیل دلایل الکترونیکی در تحقیقات کیفری، معاونت حقوقی قوه قضاییه. ۱۳۸۶
۱۲. حسن بیگی، ابراهیم. حقوق و امنیت در فضای سایبر. تهران: موسسه ابرار معاصر. ۱۳۸۴.
۱۳. حسینی نژاد حسینعلی. ادله اثبات دعوی (تهران : نشر میزان). ۱۳۷۴.
۱۴. خداقلی، زهرا . جرایم کامپیوتری. تهران: انتشارات آریان، ۱۳۸۳ .
۱۵. عظیمی، محمد. ادله اثبات دعوی. تهران : موسسه انتشارات هاد. ۱۳۶۹.
۱۶. فضل‌ی مهدی، مسوولیت کیفری در فضای سایبر، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه ۱۳۸۹.
۱۷. کاتوزیان ناصر، اثبات و دلیل اثبات، تهران . جلد دوم . ۱۳۸۸.
۱۸. کامران شیرازد. جرایم رایانه‌ای از منظر حقوق جزای ایران و حقوق بین الملل - نشر بهینه فراگیر، چاپ اول. ۱۳۸۸.

۱۹. کیسی، اوئن، دلایل دیجیتالی و جرم رایانه ای، مترجمان امیر حسین فراهانی و علی شایان، معاونت حقوقی قوه قضاییه، نشر سلسبیل. ۱۳۸۶.
۲۰. نرگسی، محمدمهدی، ۱۳۹۲، استنادپذیری اقرار در فضای مجازی در فضای مجازی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشکده حقوق.
۲۱. نقوی، مهدی، ۱۳۹۲، تقریرات درسی جرایم رایانه ای، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان.
۲۲. واحدی نوایی، آوا، ۱۳۸۰، نظام جزایی ایران در عصر ساسانیان، تهران، انتشارات میزان.